

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال پنجم - شماره اول - بهار ۱۳۹۱ - شماره پیاپی ۱۵

هنر در شاهنامه

(ص ۲۷۶ - ۲۶۳)

موسی پرنیان (نویسنده مسئول)^۱، مهین امیدیان^۲، سید آرمان حسینی آباریکی^۳
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۱۰/۱۹

چکیده:

شاهنامه استاد طوس، حکیم ابوالقاسم فردوسی در بردارنده‌ی واژه‌های اصیل زبان پارسی است. یکی از این واژه‌ها که بار معنایی گسترده‌ای در شاهنامه به دوش کشیده، واژه «هنر» است که ۳۵۲ مرتبه در ۳۳۷ بیت به کار رفته است. فردوسی در اثر خود، برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از واژه هنر، آن را با ده ساختار و بیست و هفت ترکیب بکار برده؛ چنانکه این واژه با بیش از هشتاد معنی، در شاهنامه نمود یافته است. بدون شک آشنایی با بار معنایی چنین لغاتی، علاوه بر افزایش فهم ما از متون کهن، سبب غنای زبان ما نیز خواهد شد؛ بنابراین نگارندگان در این جستار میکوشند ابتدا پیرامون واژه هنر، معانی مختلف و سیر تحول آن اطلاعاتی به دست دهند، سپس بار معنایی (مثبت و منفی) آن را برای مخاطبان و طبقات مختلف شاهنامه، با رسم نمودار بررسی نمایند؛ تا بدینگونه روشن شود که استاد طوس در اثر سترگ خود، واژه هنر را در چه مواردی بکار برده است.

کلمات کلیدی:

فردوسی، شاهنامه، هنر، معانی.

۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام dr.mparnian@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

۳ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسیاز دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه:

شاهنامه، پر شکوه‌ترین اثر زبان فارسی است که بسیاری از واژگان اصیل پارسی را در خود محفوظ داشته است. اثر سترگ استاد طوس، کوششی در بکار بردن زبان فارسی و تلاشی در راه احیاء ادبیات ملی ماست. با مطالعه دقیق شاهنامه روشن میشود که فردوسی، بعضی از لغات و کلمات را به معنایی در نظر گرفته که با آنچه امروز مورد توجه ماست، اختلاف دارد؛ چرا که زبان پدیده‌ای است پویا و تحول‌پذیر و واژگان نیز تحول (لفظی و معنایی) می‌پذیرند. بعضی از کلمات در شاهنامه معانی متعددی دارند در حالی که ما امروز با یکی از آن معانی آشنایی داریم و برخی دیگر به معنایی استعمال شده است که ما در آن معنی به کار نمی‌بریم و همچنین پاره‌ای از لغات به همان معنی که فردوسی بکار گرفته در بعضی از فرهنگها نیز ضبط شده، اما امروزه هیچ کاربردی ندارد. یکی از این لغات، واژه «هنر» است که تحول لفظی و معنایی بسیار یافته است.

در این جستار تحول (لفظی و معنایی) واژه «هنر» و معانی متنوع آن در شاهنامه بررسی می‌شود.

تحول لفظی و معنایی واژه هنر

واژه هنر از آغاز تا به امروز، تحول معنایی بسیاری داشته است. وجود این واژه در اوستا، نشانگر قدمت و اصالت آن است.

هونَر / hunara = هنر، خوبی، دلاوری.

هونَر و نَت / hunar want = هنرمند.

هونَر تات / hunare tat = برتری، شایستگی، خوبی (فرهنگ واژه‌های اوستا، بهرامی: ص ۱۵۸۸).

هنر در سانسکریت نیز ضبط شده است؛ sundara = زیبا، قشنگ، هنر در پهلوی از لحاظ لفظی، نزدیک به تلفظ ماست (فرهنگ پارسی و ریشه یابی واژگان، پاشنگ: ص ۶۲۳).

در پهلوی هنر/honar / با همین صورت به کار رفته است. پنداشته شده است که این واژه از دو پاره (هو= نیک) + (نر= هونر، ساخته شده است و در بنیاد به معنی (نر نیک) است و به معنی پهلوانی نیرم و نرمش که نیک از شایستگیها و توانهای رزمی برخوردار است (رؤیا، حماسه، اسطوره، کزازی: ص ۲۳۷).

واژه هنر در آغاز به همین معنی اخیر بود و با گذشت زمان، تحول معنایی یافته است و امروزه به معنی هنرهای ظریف و هنرپیشگی بکار میرود. در لغت نامه دهخدا ذیل هنر آمده است: هنر (هون) علم و معرفت و فضیلت و کمال، فراست، زیرکی. این کلمه در واقع به معنی آن درجه از کمال و شایستگی آدمی است که هوشیاری و فراست و فضل و دانش را در بر دارد و نمود آن صاحب هنر را برتر از دیگران می‌نماید. خطر و اهمیت // قابلیت، لیاقت،

کفایت، توانایی فوق‌العاده جسمی یا روحی // صنعت و حرفه و شغل // برات و حواله نامه // خاصیت (لغت‌نامه).

هنر در شاهنامه، معنایی گسترده‌تر از جمله: جنگاوری، قدرت، شجاعت، خیر و برکت، عفت و پاکدامنی، حرفه، پیشه، تعبیر خواب، پیش بینی، سخنوری، راستی و مردمی و ... را در بر میگیرد. میتوان چنین بیان داشت که هنر در شاهنامه، اغلب به مفهوم فعلیت یافتن قوه وراثت و نژادی است؛ یعنی به فعل درآوردن استعدادهای موروثی و همین هنر است که در شاهنامه مورد ستایش قرار گرفته است. مفهوم خاصتری که در شاهنامه دارد، همان معنای تحت‌اللفظی و ریشه‌ای آن است (هونر = نر خوب و بعد مردی و مردانگی). این مردانگی هم در رزم است و هم در تفریحاتی که پیوندی با روح مبارزه‌جویی دارند؛ مثل تیراندازی، چوگان، شکار و غیره (درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان: ص ۱۰۱).

معانی هنر

در این جستار، معانی هنر در دو مبحث مخاطبان هنر و معانی پراکنده هنر بررسی میشود. این واژه اغلب برای بیان صفت، اخلاق و رفتار شخصی بیان میشود که آن رفتار شاخصه شخصیتی وی باشد. مخاطبان هنر در یازده طبقه دسته‌بندی شده‌اند. آنان افراد طبقات خاصی از شاهنامه هستند که مخاطب هنر واقع شده‌اند (گاهی جانورانی که به هنرمندی ستوده میشوند نیز در این مقوله گنجانده شده است). در ادامه، افراد مخاطب هنر بر حسب طبقه اجتماعی‌شان، طبقه‌بندی شده‌اند و درصد کاربرد و معنی هنر برای هر کدام نیز معین شده است.

پهلوانان و جنگاوران: ۳۵٪، شهزادگان: ۲۴٪، شهریاران: ۱۷٪، بانوان: ۸٪، رامشگران: ۱٪، خطاب عام: ۶٪، فرستادگان: ۲٪، مشاوران: ۱٪، موبدان: ۳٪، محمود غزنوی: ۲٪، جانوران: ۱٪

جستار حاضر مجال پرداختن به تک تک ابیات استخراج شده را ندارد؛ بنابراین پس از ذکر چند نمونه از ابیات، جداولی که معانی هر بخش را معین میکند، ذکر میشود.

۱. پهلوانان و جنگاوران: ۳۵ درصد کل مخاطبان هنر را به خود اختصاص داده است.

هنر برای این طبقه بیشتر به مفهوم جنگاوری و لوازم سلحشوری و دلاوری میباشد.

به رزمی که کردی چنین گش مشو هنرمند بودی منی فش مشو

(شاهنامه، ج ۸، بیت ۴۵۷)

هنرمند به قرینه «رزمی که کردی» به معنای جنگاوری است.

کجا پیلسم بود نام جوان یکی پرهنر مرد روشن روان

چنین گفت با نامور پیلسم که این شاخ را بار دردست و غم
(ج ۲، بیت ۲۱۹۴)

با توجه به ابیاتی که در ادامه مبنی بر اندرزگویی پیلسم خواهد آمد، «پر هنر» در معنای آینده‌نگری و خردمندی است.

چنین گفت قارن که تا زاده‌ام تن پره‌نر مرگ را داده‌ام
فریدون نهاد این کله بر سرم که برکین ایرج زمین بسپرم
(ج ۱، بیت ۲۱۱)

قارن پر هنری خود را در کین‌خواهی ایرج دانسته است که مؤید مفهوم جنگآوری و رزمجویی است.

به رزم اندرون نیز خواب آیدش چو بی می نشیند شتاب آیدش
هنرها همه هست نزدیک اوی مبادا چنان جان تاریک اوی
(ج ۳، بیت ۸۳۳)

در این جا هنر، علاقه تضاد از عیب است؛ هنرهای طوس خفتن به هنگام رزم است و تن آسانی و بزم نشینی و باده نوشی، بگونه‌ای که بی بزم و باده نمی‌تواند روزگار به سر برد. واژه هنر در مجموع ۶۳ مرتبه برای پهلوانان و جنگاوران استفاده شده است؛ ۵۴ مرتبه برای پهلوانان و جنگاوران ایرانی (۴۸ مرتبه معانی مثبت و شش مرتبه معانی منفی هنر) و هفت مرتبه برای پهلوانان و جنگاوران تورانی (چهار مرتبه در معانی مثبت و سه مرتبه در مفهوم منفی) و برای هر کدام از پهلوانان و جنگاوران چینی و رومی یک بار (در مفهوم مثبت) به کار رفته است.

جدول شماره ۱: معانی هنر برای پهلوانان و جنگاوران

الف) معنای مثبت هنر

ردیف	معانی مثبت هنر برای پهلوانان و جنگاوران	پهلوانان و جنگاوران ایرانی	پهلوانان و جنگاوران تورانی	پهلوانان و جنگاوران چینی	پهلوانان و جنگاوران رومی	فراوانی
۱	جنگآوری	۳۱	۱	۱	۱	۳۴
۲	نمایش قدرت و	۲				۲

					شجاعت	
۳				۳	شجاعت و جنگاوری	۳
۸			۱	۷	توانهای رزمی و شایستگی	۴
۲				۲	کامیابی و موفقیت	۵
۱				۱	فضائل اخلاقی	۶
۱				۱	خردمندی و نژادگی	۷
۱				۱	جنگجویی و رزم‌جویی	۸
۱			۱		آینده‌نگری و خردمندی	۹
۱			۱		عمل در مقابل حرف	۱۰
۵۴	۱	۱	۴	۴۸	مجموع	

ب) معنای منفی هنر

ردیف	معنای منفی هنر برای پهلوانان و جنگاوران	پهلوانان و جنگاوران ایرانی	پهلوانان و جنگاوران تورانی	فرآوانی
۱	خیانت و سرپیچی	۲		۲
۲	ناسپاسی	۱		۱
۳	ضعف و عیب و اشکال	۱		۱
۴	ضعف و ناتوانی	۱		۱

			در جنگاوری	
۱		۱	نداشتن مهارت جنگی	۵
۱	۱		ردائل اخلاقی	۶
۱	۱		فریبکاری	۷
۱	۱		کنار گذاشتن صلح و دادگری	۸
۹	۳	۶	مجموع	

۲. شهزادگان: دومین طبقه‌ای که مخاطب هنر واقع شده است و بیست و چهار درصد از کل مخاطبان هنر را تشکیل می‌دهد، شهزادگانند. معانی غالب هنر برای این طبقه جنگاوری و فضائل اخلاقی و شایستگیها است.

بخشای و کار گذشته مجوی هنر جوی و از کشتگان کین مجوی
(ج ۵، بیت ۶۵)

«هنر» در بیت فوق به معنی «بخشایش و جوانمردی» و نقطه مقابل کینه‌توزی است. عنان و سنان و سپر داشتن به آوردگه باره برگاشتن بدانگونه شد زین هنرها که چنگ نسودی به آورد با او پلنگ (ج ۵، بیت ۱۰۱) با توجه به قراین، هنرها به مفهوم مهارتهای جنگاوری (نظیر: چوگان، تیراندازی و اسب سواری و...) است.

مرا چند بیسود و چندی بگفت هنر با خرد کردم اندر نهفت (ج ۲، بیت ۴۸۸) که هنر به مفهوم تواناییهای اکتسابی است.

جدول شماره ۲: معانی هنر برای شهزادگان

واژه هنر در مجموع ۴۵ مرتبه برای شهزادگان به کار رفته است؛ از این تعداد ۴۳ مرتبه برای شهزادگان ایران (۴۱ مرتبه در مفهوم مثبت و ۲ مرتبه در معنای منفی) و ۲ مرتبه برای شهزادگان تورانی (هر دو مورد برای بیان معنای منفی) استعمال شده است.

معنای مثبت هنر برای شهزادگان

ردیف	معنای مثبت هنر برای شهزادگان	شهزادگان ایرانی
۱	جنگاوری	۱۳
۲	توانهای لازمه سلطنت و سرداری	۳
۳	فضائل اخلاقی	۵
۴	تعالیم لازمه سلطنت و سرداری	۳

۱	شکار کردن	۵
۷	شایستگی	۶
۱	بخشایش و جوانمردی	۷
۱	کسب مهارت (توانایی اکتسابی)	۸
۲	چوگان بازی	۹
۱	مظاهر زیبایی و کمال	۱۰
۱	غیب دانی	۱۱
۱	کین خواهی	۱۲
۱	تیراندازی	۱۳
۱	جویای دانش	۱۴
۴۱	مجموع	

معنای منفی هنر برای شهزادگان

فرآوانی	شهزادگان تورانی	شهزادگان ایرانی	معانی منفی هنر برای شهزادگان	ردیف
۱		۱	نداشتن توان رزمی	۱
۱		۱	بی‌دینی و سرکشی	۲
۱	۱		زبان‌آوری در مقابل عمل	۳
۱	۱		کینه‌ورز	۴
۴	۲	۲	مجموع	

۳. شهزادگان: سومین طبقه شاهنامه هستند و ۱۷ درصد از کل مخاطبان هنر را تشکیل می‌دهند. برای شهزادگان، واژه هنر اغلب به مفهوم فضائل اخلاقی و مهارت‌های حکومتداری بکار رفته است.

جهاندار سی سال ازین بیشتر چگونه برون آوری هنر
(ج ۱، بیت ۵۴)

هنر بیرون آوردن، انجام کارهای جدید و به نوعی اکتشاف محسوب میشود.
که روز جوانی هنر داشتم بد و نیک را خوار بگذاشتم
(ج ۷، بیت ۴۰۰۷)

که منظور از هنر، شایستگیها و تواناییهای رزمی است.

جدول شماره ۳: معانی هنر برای شهریان

واژه هنر در مجموع ۲۵ مرتبه برای شهریان ایرانی و ۷ مرتبه برای شهریان انیرانی به کار رفته است؛ در جدول زیر میزان کاربرد هنر برای شهریان ایرانی و غیر ایرانی و نیز معانی مثبت یا منفی این واژه برای هر کدام، نشان داده شده است. این واژه در مجموع ۳۲ مرتبه برای شهریان به کار رفته است که ۱۱ مرتبه برای بیان معانی منفی و ۲۱ مرتبه برای بیان مفاهیم مثبت استعمال شده است.

معنای منفی هنر برای شهریان

ردیف	معانی منفی هنر برای شهریان	شهریان ایرانی	شهریان تورانی	شهریان رومی	شهریان هندی	فراوانی
۱	رذائل اخلاقی	۲		۳	۱	۶
۲	نداشتن توان جنگی	۱				۱
۳	اخلاق و رفتار ناشایست	۱				۱
۴	بی‌کفایتی در امور مملکتی	۱				۱
۵	بیدادگری		۲			۲
	مجموع	۵	۲	۳	۱	۱۱

معنای مثبت هنر برای شهریان

ردیف	معانی مثبت هنر برای شهریان	شهریان ایرانی	شهریان هندی	فراوانی
۱	کارهای جدید و مهم	۳		۳
۲	قدرت آزمایی	۱		۱
۳	بخشنده‌گی و دانایی	۱		۱
۴	دانایی	۲		۲
۵	شجاعت و دلیری	۱		۱
۶	فضائل اخلاقی	۵		۵
۷	لیاقت‌های لازم سلطنت و سرداری	۲		۲
۸	رزم‌جویی و کشور	۱		۱

			گشایی	
۱		۱	سخنوری‌های حکیمانه	۹
۲		۲	سوارکاری	۱
۱		۱	مهارت‌های رزمی	۱
۱	۱		نیکو روش و دانشور	۲
۲۱	۱	۲۰	مجموع	

۴. بانوان: چهارمین طبقه مخاطب هنر محسوب می‌شوند و هشت درصد کل مخاطبان را به خود اختصاص داده‌اند. معانی هنر برای این طبقه، مفاهیمی چون فضائل اخلاقی، زیبایی و مهربانی می‌باشد.

چو شد مست برزین، بدان دختران چنین گفت کای پره‌نر کهن‌تران
(ج ۶، بیت ۸۳۳)

چنان‌که روشن است هر کدام از دختران برزین، هنری داشته‌اند.
یکی پایکوب و دگر چنگ‌گزن سدیدگر خوش آواز بربط شکن
(ج ۶، بیت ۸۳۷)

«پره‌نر» در بیت فوق با توجه به بیت (۸۳۷/۴۸۰/۶) در معنای «رقاصی، نوازندگی و خوانندگی» است، و در مجموع به مفهوم «رامشگری» می‌باشد.
چنان شاد بودم ز پیوند تو بدین پره‌نر پاک فرزند تو
(ج ۸، بیت ۳۳۳۳)

«پره‌نر» را در این بیت، با توجه به قرینه «پاک فرزند»، میتوان در معنایی چون «پاکدامنی، نجابت و عفت» دانست.

واژه هنر در مجموع نه مرتبه برای بانوان ایرانی و شش مرتبه برای بانوان انیرانی به کار رفته است. این واژه در این پانزده بیت برای بیان مفاهیمی از قبیل عفت، زیبایی، فضائل اخلاقی، باروری، مهربانی، رامشگری، افسونگری و دانایی استعمال شده و تنها یک بار معنای جنگاوری داشته است.

جدول شماره ۴: معانی هنر برای بانوان

الف) معانی مثبت هنر برای بانوان

ردیف	معانی مثبت هنر برای بانوان	بانوان ایرانی	بانوان تورانی	بانوی رومی	بانوی هندی	بانوی اندلس	فراوانی
۱	نیکو سرشت و خوب‌طینت	۱					۱
۲	رامشگری و مطربی	۱					۱
۳	عفت	۱		۱			۲
۴	مهربانی و خردمندی	۱					۱
۵	جنگاوری	۱					۱
۶	باروری و حفظ نژاد	۱					۱
۷	زیبایی و فضائل اخلاقی	۱					۱
۸	زیبایی و خردمندی		۱				۱
۹	فضائل اخلاقی		۱		۱		۲
۱۰	دانایی و فضائل اخلاقی					۱	۱
	مجموع	۷	۲	۱	۱	۱	۱۲

ب) معانی منفی هنر برای بانوان

ردیف	معانی منفی هنر برای بانوان	بانوی ایرانی	بانوی تورانی	فراوانی
۱	افسونگری	۱		۱
۲	عشق ممنوع و پنهانی		۱	۱
	مجموع	۱	۱	۲

۵. مخاطبان عام: طبقه پنجم هستند که شش درصد مخاطبان هنر را تشکیل می‌دهند. این مخاطبان ممکن است یک لشکر و یا یک کشور را شامل شوند. معانی غالب هنر برای این طبقه به مفهوم توان و مهارت‌های رزمی است.

بکوشید و شمشیر و گرز آورید **هنرها** ز بالای برز آورید (ج ۳، بیت ۲۸۱۱) که هنرها به مفهوم توان و مهارت رزمی است.

که ترکان به دیدار پریچهره‌اند به جنگ از هنر پاک بی بهره‌اند (ج ۴، بیت ۹۱۰)
به جنگ از هنر بی بهره بودن، نداشتن مهارت رزمی است.

جدول شماره ۵: معانی هنر برای مخاطب عام

ردیف	معانی هنر برای مخاطب عام	خطاب به ایرانیان		خطاب به تورانیان		خطاب عام رومیان		فراوانی
		معنی مثبت هنر	معنی منفی هنر	معنی مثبت هنر	معنی منفی هنر	معنی مثبت هنر	معنی منفی هنر	
۱	شهامت و قدرت	۱						۱
۲	توان و مهارت رزمی	۲		۱				۳
۳	جنگاوری			۱				۱
۴	ضعف جنگی						۲	۲
۵	نداشتن مهارت‌های رزمی			۱			۲	۳
	مجموع	۳	-	۲	۱	-	۴	۱۰

۶. موبدان: گروه ششم از مخاطبان هنر هستند که شش درصد مخاطبان هنر را تشکیل می‌دهند. واژه هنر برای این طبقه، مفاهیمی چون: خردمندی، آینده‌نگری و خوابگذاری را در بر میگیرد.

بدان پر هنر پیش‌بیننده مرد (ج ۶، بیت ۴۴۶)
بخشید یک بدره دینار زر
که پر هنر در معنای خردمندی و آینده‌نگری است.

جدول شماره ۶: معانی هنر برای موبدان

ردیف	معانی مثبت هنر برای موبدان	موبدان ایرانی	موبدان هندی	فراوانی
۱	تعبیر خواب و اخترشناسی	۱		۱
۲	خردمند	۱		۱
۳	خردمندی و آینده‌نگری	۱		۱

۴	فضائل اخلاقی	۱	۱
۵	تجربه و دانش		۱
مجموع		۴	۵

۷. فرستادگان: گروه دیگری از مخاطبان هنر هستند و دو درصد از مخاطبان هنر را تشکیل می‌دهند. هنر برای این طبقه بر مفاهیم خردمندی و توانایی دلالت دارد. بخندید و بهرام را گفت شاه که ای پر هنر با گهر پیشگاه (ج ۶، بیت ۲۰۳۵) این بیت پس از بیان تواناییهای فرستاده ایرانی آمده است و پر هنر به معنی توانایی در چوگان و زورمندی است.

جدول شماره ۷: معانی هنر برای فرستادگان

ردیف	معانی مثبت هنر برای فرستادگان	فرستادگان ایرانی	فرستادگان رومی
۱	توانایی در چوگان و زورمندی	۱	
۲	فرزانگی و سخنوری		۱
۳	خردمندی و فضائل اخلاقی		۱

سایر طبقات درصد کمتری از واژه هنر را تشکیل داده‌اند. سلطان محمود دو درصد، رامشگران، مشاوران و جانوران، هر کدام یک درصد مخاطبان هنر می‌باشند.

جدول شماره ۸: معانی هنر بکار رفته برای محمود غزنوی

ردیف	معانی هنر برای محمود	محمود غزنوی
۱	فضائل اخلاقی	۲
۲	بخشندگی در بزم و جنگاوری در رزم	۱

جدول شماره ۹: معانی هنر برای رامشگران

ردیف	معانی هنر برای رامشگران	رامشگران ایرانی	
		معانی منفی	معانی مثبت
۱	نوازندگی دلنواز		۱
۲	نوازندگی ناخوشایند	۱	

جدول شماره ۱۰: معانی هنر برای مشاوران

ردیف	معانی مثبت هنر برای مشاوران	فرستادگان ایرانی
۱	غیبدانی	۱
۲	خردمندی و سخنوری	۱

جدول شماره ۱۱: معانی هنر برای جانوران

ردیف	معانی هنر برای جانوران	رخش	گاو
۱	قدرت و توانایی	۱	
۲	خیر و برکت (شیردهی زیاد)		۱

معانی هنر برای مخاطبان شاهنامه

جنگآوری: ۷۳ - ۱٪، فضائل اخلاقی و صفات پسندیده: ۳۶ - ۲٪، مهارت‌ها و توانایی‌های اکتسابی: ۲۰ - ۳٪، مهارت‌های مرتبط با روح جنگآوری: ۵ - ۴٪، سایر معانی: ۱۴ - ۵٪، اخلاق و رفتار ناپسند: ۱۶ - ۶٪، ضعف در امور مملکتی: ۱۴ - ۷٪

معانی پراکنده هنر

ابیاتی که مخاطب معینی ندارند در این قسمت گنجانده شده‌اند. تعداد کل ابیات در این بخش ۱۳۲ بیت است که بیشترین معانی هنر به ترتیب در مفهوم فضائل اخلاقی، جنگآوری و ملزومات آن، مهارت‌ها و توانایی‌های اکتسابی و نیز معانی پراکنده دیگری چون تجلیات شخصیتی، رذائل اخلاقی و مهارت‌های مرتبط با روح جنگآوری است.

نمودار معانی پراکنده هنر

فضائل اخلاقی: ۴۴ - ۱٪، جنگآوری و ملزومات آن: ۳۶ - ۲٪، مهارت‌ها و توانایی‌های اکتسابی: ۱۵ - ۳٪، سایر معانی هنر: ۱۰ - ۴٪، تجلیات شخصیتی: ۹ - ۵٪، رزائل اخلاقی: ۶ - ۶٪، مهارت‌های مرتبط با روح جنگآوری: ۷ - ۳٪.

نتیجه:

با بررسی دقیق ابیات و ارائه اطلاعات آماری، (به استناد جداول معانی هنر برای یازده طبقه شاهنامه و جمع بندی مطالب مبحث معانی پراکنده هنر) روشن شد که واژه هنر هشتاد و سه معنی در شاهنامه دارد.

هنر در شاهنامه برای بیان مفاهیم جنگآوری و ملزومات آن در یازده معنی آمده است: شجاعت، جنگجویی و رزمجویی، پیروزی در جنگ، کامیابی و موفقیت، تجارب پهلوانی، توانهای رزمی، قدرتمندی، نمایش قدرت و شجاعت، قدرت آزمایی، کشورگشایی و رزمجویی، کین خواهی.

و برای بیان مهارتهایی که در ارتباط با روح جنگآوری هستند در چهار معنی آمده است: شکار، تیراندازی، سوارکاری و چوگان.

برای القاء مفاهیم فضائل اخلاقی با هجده معنی بکار رفته است: فضائل اخلاقی، دانایی، بخشندگی، خردمندی و نژادگی، نیکوسرشت، مهربانی، عفت، جوانمردی، شایستگی، حقجویی و حقجویی، لیاقت، عدالت، توانایی به مفهوم کلی، عمل در مقابل حرف زدن، کفایت، سپاسگزاری از خداوند، صفات نیک، تلاش و کوشش.

و در هفده مورد برای بیان مهارت‌ها و توان اکتسابی در شاهنامه آمده است: سخنوری، نوشتن، تدبیر و چاره‌اندیشی، صفات دبیر موفق، علم و دانش لیاقت‌های لازمه سلطنت و سرداری، تعالیم لازمه سلطنت و سرداری، کسب مهارت و توانایی اکتسابی انجام کارهای مهم و جدید، جویای دانش، تجربه و دانش، خردمندی و سخنوری، کامیابی و موفقیت دانایی، سخنوریهای حکیمانه، فرزانی و سخنوری.

معانی پراکنده هنر نیز در شاهنامه به سیزده مورد میرسد: صنع و آفرینش الهی، کار حرفه و پیشه، ارج و اعتبار، معماری و ساختمان‌سازی، مشاوره خواستن، مظاهر کمال، زیبایی و کمال ظاهری، غیبدانی، رامشگر و مطربی، باروری و حفظ نژاد، خوابگذاری و اختر شماری، خیر و برکت، آینده‌نگری و خردمندی.

فردوسی برای بیان ظهور شخصیت درونی چهار بار از واژه هنر بهره جسته است: آشکار کردن صفات وراثتی، منش و شخصیت، تجلیات شخصیت انسانی، لوازم برتری و پادشاهی. و نیز هنر را برای بیان مفاهیم رذائل اخلاقی نیز در ده معنی بکار برده است: افسونگری و جادویی، رذائل اخلاقی، بیدادگری، اخلاق و رفتار ناشایست، بی‌دینی و سرکشی، ناسپاسی، فریبکاری، کینه‌ورزی، زبان‌آوری در مقابل عمل، عشق و ارتباط ممنوع و پنهانی. هنر مفاهیمی چون بی‌کفایتی در مملکت‌داری را نیز در شش معنی بیان میدارد. نداشتن توان جنگی، تهکم در جنگاوری، بی‌کفایتی در امور مملکتی، خیانت و سرپیچی، کنار گذاشتن صلح و دادگری ضعف و عیب و اشکال. پس با توجه به آنچه گفته شود، هنر یکی از واژه‌های اصیل فارسی است که از پس قرون باز مانده و ضمن تطور لفظی، تحول معنایی نیز یافته است.

فهرست منابع:

- ۱- حمیدیان، سعید؛ (۱۳۸۳)، درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی؛ چاپ دوم، تهران: ناهید.
- ۲- کزازی، میرجلال‌الدین؛ (۱۳۸۵)، رؤیا، حماسه، اسطوره؛ چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- ۳- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه؛ به تصحیح جلال خالقی مطلق؛ (۱۳۸۲)، تهران: دایره المعارف اسلامی.
- ۴- پاشنگ، مصطفی؛ (۱۳۷۷)، فرهنگ پارسی و ریشه‌یابی واژگان؛ تهران.
- ۵- بهرامی، احسان؛ (۱۳۶۹)، فرهنگ واژه‌های اوستا؛ به یاری فریدون جنیدی؛ تهران: بلخ.
- ۶- دهخدا، علی‌اکبر؛ (۱۳۷۳) لغتنامه؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.